

عمده‌ترین مشکل مشترک میان مادرهایی که با آنها در خصوص مشکلاتشان در فضای شهری صحبت شد ساده‌ترین آن بود، صرف حضور در خیابان! مادرهایی که با وجود داشتن یک یا دو فرزند کوچک، برای پیاده‌روی، انجام خرید و یا پیگیری کارهای بانکی با کالسکه به بیرون از منزل می‌روند



## چالش‌های روزمره مادران با فضای شهری

فرناز اینانلو  
فعال حوزه زنان و خانواده

این روزها اگر صحبت از فرزندآوری باشد اولین فکری که به ذهن مخاطب می‌آید شرایط اقتصادی و نکات آموزشی-تربیتی است اما شاید در کنار فکر کردن به این موضوع کمتر ذهنمان درگیر مسائل دیگر شود. مسائلی از جنس فضای شهری و کودکان یا شاید بهتر بتوان گفت فضای شهری و تازه مادران دارای فرزند. اگرچه این مشکلات پیش از تولد کمتر به چشم مادر می‌آید اما پس از تولد نوزاد فاصله‌ای بین زندگی خارج از خانه او با قبل از تولد فرزندش می‌اندازد. در این گزارش به سراغ تعدادی از مادران دارای کودک ۱۴ ماهه، ۱۸ ماهه، ۳ ساله و ۵ ساله رفتیم و تجربه زیسته آنان را در فضای شهری جویا شدیم.

### حضور در خیابان را تسهیل کنید!

عمده‌ترین مشکل مشترک میان تمامی مادرها ساده‌ترین آن بود، صرف حضور در خیابان! مادرهایی که با وجود داشتن یک یا دو فرزند کوچک، برای پیاده‌روی، انجام خرید و یا پیگیری کارهای بانکی با کالسکه به بیرون از منزل می‌روند. مادری در این خصوص می‌گوید: «تا زیر سه سالگی وابستگی بچه به مادر زیاد است و خودش نمی‌تواند مسافت زیادی را پیاده‌راه برود. یا باید او را در کالسکه بگذارم یا در آغوشی باشد که البته اگر وزن او ۸ کیلو بگذرد واقعاً کار سختی است یا نهایتاً باید در بغل بگیرم که علاوه بر وزن بچه یکی از دست‌های مادر نیز آزادی برای انجام کار ندارد.»

میان سه راهکار موجود شاید کالسکه گزینه بهتری به نظر بیاید اما در عمل این‌طور نیست. مادری دیگر از مشکلات کالسکه این‌گونه گلایه می‌کند: «پیش از بچه‌دار شدن هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم که چقدر پیاده‌روهای ما در تضاد حضور مادر، کالسکه و بچه است. نکاتی در مورد معضلات حضور افراد معلول شنیده بودم اما هنگام خرید کالسکه نمی‌دانستم به خیلی از همان مشکلات مبتلا می‌شوم.» اگر از چاله و گودال‌های پر از آب بگذریم، وجود جدول در پیاده‌رو مشکل بعدی است که عبور کالسکه را دشوار می‌کند و مادر باید از رهگذران برای بلند کردن آن کمک بگیرد. البته در بعضی موارد سطح شیب‌دار یا میله‌هایی را برای عبور قرار داده‌اند که متأسفانه در خیلی از موارد ماشین و یا موتورهایی که مقابل آن پارک شده، مادر را مجبور می‌کند مسافتی را دور زده و از خروجی دیگری وارد خیابان شود و در خیابان مسیر خود را ادامه دهد.

این مشکل علاوه بر عدم فرهنگ‌سازی میان مردم برای اشتغال نکردن فضای مقابل میله‌های مخصوص کالسکه به آن دلیل رخ می‌دهد که در عمل جریمه‌ای از سوی مأموران راهنمایی و رانندگی جهت بازدارندگی در پی ندارد. پله و جوی‌های بزرگ آب در برخی از پیاده‌روها و خیابان‌ها نیز معضل مشابه دیگری است که حضور عادی مادر را مختل می‌کند. البته جا دارد اشاره کنیم که این مشکل محدود به پیاده‌رو و خیابان نمی‌شود. یکی از مادرها به مکان‌های دیگر اشاره می‌کند: «ورودی برخی از مکان‌ها فقط پله دارد و خبری از سطح شیب‌دار یا آسانسور نیست و این کار را واقعاً دشوار می‌کند. بعضی از پاساژها و مغازه‌ها این‌طور هستند.» مادر دیگری می‌گوید: «پله‌پرچی اکثر پل‌های هوایی خراب است یا که اصلاً وجود ندارد. خود مترو هم گاهی پله‌پرچی را به یک سمت دارد اما در سمت مقابل برای برگشت خبری از آن نیست. طبیعتاً در هر رفتنی باید آن مسیر را برگردی اما

این اتفاق با کالسکه نمی‌تواند بیفتد. البته که قرار دادن کالسکه روی پله‌های برقی خودش کار خطرناکی است و بهتر است از آسانسور استفاده کرد اما همان امکانات ابتدایی هم در خیلی از ایستگاه‌های مترو پیدا نمی‌شود.» ورودی بانک‌ها، دفاتر خدمات شهری و حتی برخی از پارک‌ها نمونه‌های دیگری از این دست مشکلات هستند که با وجود بهبود شرایط در برخی از ساختمان‌های جدید اما همچنان در اغلب مکان‌ها پابرجاست.

### تغییر کاربری اتاق‌های مادر و کودک به انباری

حال اگر مادری بتواند با کودک خود وارد مترو شده و از گیت‌های آن عبور کند، شرایط داخل این وسیله حمل‌ونقل رایج و پر مصرف بین شهروندان، برای یک مادر چگونه است؟ جواب یکی از مادران به این سؤال این بود: «در برخی از واگن‌های بانوان، آقایان هم حضور دارند و چند وقت گذشته این مسأله بیشتر هم شده است. شیر دادن به نوزاد در این موقعیت‌ها واقعاً مرا دچار سردرد می‌کند و کودکم را کلافه می‌کند.» در اینجا شاید اولین راهکاری که به ذهن ما آشنا بیاید استفاده از اتاق مادر و کودک برای شیردهی و تعویض پوشک باشد. همان‌گونه که یکی از مادران می‌گوید: «اتاق مادر و کودک واقعاً نیاز است. حس امنیت و آرامش بیشتری در آن وجود دارد.» اگرچه این نکته نمی‌تواند جواب کاملی برای نقض قانون اتفاق افتاده بالا و جلب آرامش مادران و زنان حاضر در واگن بانوان باشد اما همین راهکار نیز با بطور کلی در بسیاری از ایستگاه‌های مترو وجود ندارد یا به انباری تغییر کاربری داده است! در بهترین حالت نیز در آن قفل شده و باید به دنبال مسئول ایستگاه گشت و یا صرفاً امکانات حداقلی را داراست. این مشکل در مکان‌های دیگر نیز وجود دارد که یکی از مادران یک نمونه از آن را این‌گونه شرح می‌دهد: «یک بار به نمایشگاه فروش ملزومات کودک رفته بودم. اتاق مادر و کودک صرفاً صندلی پشت پرده در یک گوشه از نمایشگاه بود که مادر بتواند بنشیند و فرزندش را شیر بدهد. حتی اگر دو مادر به آن صندلی احتیاج داشتند باید در صف می‌ایستادند!»



برای مشکلات مادران برای شیردهی به فرزندان در مکان‌های عمومی شاید اولین راهکاری که به ذهن ما آشنا بیاید استفاده از اتاق مادر و کودک برای شیردهی و تعویض پوشک باشد اما یکی از مادران یک نمونه از تجربه خود را در این مورد این‌گونه شرح می‌دهد: «یک بار به نمایشگاه فروش ملزومات کودک رفته بودم. اتاق مادر و کودک صرفاً صندلی پشت پرده در یک گوشه از نمایشگاه بود که مادر بتواند بنشیند و فرزندش را شیر بدهد. حتی اگر دو مادر به آن صندلی احتیاج داشتند باید در صف می‌ایستادند!»

## روایت‌های مادری

### اول آنکه راوی باید صادق باشد

سیده نرگس حسینی  
کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی

جمع‌های زنانه جدای از بحث‌های جدی‌تر، همواره محل «تبادل روایت‌های زنانه» بوده است. در این جمع‌ها یکی گوشه‌ای از زندگی‌اش را تعریف می‌کند و دیگری می‌شنود و باز دیگری گوشه‌ای دیگر را بازگو می‌کند و او می‌شنود. این «روایتگری» و «روایت شنوی» همواره برای ما زنان جذاب و البته مفید بوده و هست؛ ما از زندگی دیگران تجربه به دست می‌آوریم و زندگی‌مان را بهبود می‌دهیم. این روایت‌های زنانه پایش را به بستریهای دیگر نیز باز کرده؛ اینستاگرام به‌درست یا غلط- اکنون محل بازنشر زندگی روزمره بسیاری از زنان است. برنامه‌های گفت‌وگومحور تلویزیونی، روایت زندگی زنان موفق را تهیه می‌کنند و همچنین کتاب‌هایی با محوریت تجربه زیسته زنان و از زبان خود آنها تهیه شده است. به طور خاص نیز اکنون فرزندآوری و فرزندپروری مرکز توجه قرار گرفته است؛ در سداوسیمیا برنامه «مامان‌ها»، در شبکه‌های اجتماعی کارهای مجموعه «مادرانه» و در کتاب‌ها کتاب «سررشته» و «هفته چهل و چند» نمونه کارهایی از این دست هستند.

به نظر می‌رسد ظهور این مدل روایتگری‌ها بتواند در راستای افزایش تعداد فرزندان خانواده‌ها و ارتقای شیوه‌های تربیتی مفید باشد، چراکه اکنون ارتباط‌های زنان با خانواده‌های خود هرچند وجود دارد و باید بهبود نیز پیدا کند اما به هر حال کمتر است و مسائل نیز تغییر کرده است و مسائل جدیدی متناسب با این عصر جدید پیش‌روی آنان وجود دارد. همچنین امروزه دنیای والدگری گاه آنقدر پیچیده تعریف می‌شود که مادر شدن و مادری کردن را سخت کرده است. این روایت‌ها می‌تواند این مسیر را آسان کند اگر که داستان آنان که ساده اما معقول می‌اندیشند و زندگی می‌کنند، روایت شود.

اما نکته‌ای که نباید از آن غافل شد این است که روایتگری برخلاف ظاهر ساده خود اگر طبق اصول درستی پیش نرود، می‌تواند منجر به نتایج خنثی یا حتی معکوس شود. یک انتقال تجربه خوب زمانی اتفاق می‌افتد که منجر به ناامیدی در شنونده نشود و راه حلاقت او را نیندد. در واقع هدف اصلی چنین روایتی آن است که شنونده را در جهت پیدا کردن «مسیر متناسب با زندگی خودش» صرفاً «تشویق و راهنمایی» کند. برای رسیدن به چنین مطلوبی نیازمند آمادگی‌هایی در هر دو سوی روایت و همچنین میانجی آن هستیم.

او باید زندگی و داستان خود را آنگونه که هست روایت کند، نه آنگونه که دلش می‌خواهد یا آنگونه که جذاب و شنیدنی‌اش می‌کند. به‌عنوان نمونه گفتن از سختی‌های داشتن یک فرزند خردسال می‌تواند احساس همدردی را به مخاطب منتقل کند و مفیدتر هم می‌شود زمانی که راهکار کشف شده فرد نیز بیان شود. همچنین اگر سختی‌های خاص زندگی فرد بیان نشود، مخاطب را دچار ناامیدی می‌کند و او را به این فکر می‌اندازد که «من شرایط او را ندارم، پس نمی‌توانم به اندازه او و به خوبی او بچه داشته باشم.» البته باید به این نکته نیز توجه داشت که حریم خصوصی نیز باید در روایت کردن رعایت شود. گفتن از هر چیز نه مفید است و نه درست بلکه صرفاً یک جذابیت کاذب است. زمانی که حریم خانواده شکسته شود نه تنها اثری بر دیگران نخواهیم گذاشت بلکه زندگی خود را نیز در معرض خطر قرار خواهیم داد.

### دوم آنکه گردآورنده متعهد به گردآوری منصفانه باشد

در واقع گردآورنده نباید زنان را از یک شرایط و ویژگی‌های خاص انتخاب کند، همچنین نباید روایت را تقطیع یا تفسیر به رأی کند.

### سوم و مهم‌تر از همه آنکه «شنونده باید عاقل باشد!»

از قدیم این مثل رایج بوده است. همیشه در شنیده‌ها احتمال خدشه و خطا وجود دارد، پس نمی‌توان به هر شنیده‌ای اعتماد کرد. همچنین ما روایت‌های مادری-منطبق بر زندگی ما نیستند. نمی‌توان هر آنچه دیگران انجام می‌دهند را ما هم انجام بدهیم، پس روایت چه فایده‌ای دارد؟ شنیدن روایت‌ها اولاً به شنونده می‌فهماند که «می‌توان و می‌شود» و در واقع در او انگیزه حرکت ایجاد می‌کند. ثانیاً شنیدن ایده‌ها ذهن او را فعال می‌کند تا ایده‌پردازی کند و ایده‌های جدید و متناسب با خودش را کشف کند، نه آنکه در چهارچوب ایده‌های کشف شده قبلی جا بماند.



به نظر می‌رسد ظهور این روایتگری‌های مادران در حوزه فرزندآوری و فرزندپروری بتواند در راستای افزایش تعداد فرزندان خانواده‌ها و ارتقای شیوه‌های تربیتی مفید باشد، چراکه امروزه دنیای والدگری گاه آنقدر پیچیده تعریف می‌شود که مادر شدن و مادری کردن را سخت کرده است. این روایت‌ها می‌تواند این مسیر را آسان کند اگر که داستان آنان که ساده اما معقول می‌اندیشند و زندگی می‌کنند، روایت شود

